

درگرایی داشت جنبش " اشغال وال استریت " در آمریکا گزارشی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا



بیش از یکماه است که شعله ای از زیر خاکستر بیعدالتی ها سر بر آورده و دارد به امید های کور شده جامعه روشنی میبخشد. شعله از مرکز غارت و چپاول قانونی دسترنج مردم "وال استریت" دمیدن گرفت و حرکتی را آغاز نمود که تا کنون بیش از 1000 (هزار) شهر جهان را نوردیده است.

جنبش "اشغال وال استریت" جنبش اعتراض به آمال سرکوب شده مردمی است که در نظام موجود بسوی فقر و فلاکت پرتاب شده اند. این جنبش اعتراضی به حرص و طمع کمپانی های بزرگ است که خود را هر روز فربه تر میکنند و بخش بزرگی از جامعه را به پرتگاه نومیدی میکشاند. جنبش "اشغال وال استریت" عکس العمل طبیعی مردم به بحران اخیر سرمایه داری است که در آمریکا بیش از 3 سال است حلقوم مردم را میفشرد. میلیون ها انسان چندین سال است که در جستجوی کار به هردری سر مسزنند ولی نا امید تر از گذشته شب سر بر بالین می نهند. نرخ بیکاری در آمریکا رسماً بیش از 9 درصد است ولی نرخ واقعی آن نزدیک به 20 درصد میباشد. کمپانی های بزرگ برای کسب سودهای نجومی شغل های تولیدی و سرویسی را را به کشورهایی که نرخ نیروی کار ارزان است منتقل نموده و میلیون ها کارگر را بدون پرداخت غرامتی بیکار نمودند. بانک ها و سرمایه داران بزرگ بحرانی در مسکن ایجاد نمودند و میلیون ها انسان را بی خانمان کردند و خود میلیارد ها دلار بجنب زدند. مرکز مالی و وام دهنده آمریکا نرخ وامهای دانشجویی را افزایش داده و زندگی تحصیل کردگان را به گروگان گرفته اند. مراکز غول پیکر بیمه هزینه بیمه های بهداشتی را هر ساله افزایش داده بطوری که دیگر مردم قدرت خرید بیمه بهداشتی را ندارند و بیش از 50 میلیون نفر در جامعه از داشتن بیمه بهداشتی و درمانی محروم اند. نتایج زیانبار بحران موجود در نظام سرمایه داری آنچنان متعدد و وسیع اند که نه تنها حلقوم کارگران و مزدبگیران جامعه را در چنگال سنگین خود میفشارد بلکه زندگی اقشار میانی را هم مورد تهدید قرار داده است.

مراکز مالی بویژه مرکز بورس آمریکا وال استریت، مراکز ایجاد فقر و فلاکت در آمریکا و بسیاری از کشورهای جهان هستند. بانکها و وال استریت سمبل دزدیدن دسترنج مردم، سمبل حرص و آز سرمایه داران گردن کلفت، و مراکز ایجاد فقر و بی خانمانی اند. این مراکز مورد خشم و نفرت مردم بویژه جوانان قرار دارند و جنبش " اشغال وال استریت " تجلی این احساس جامعه است و بهمین دلیل توانست سریعاً رشد کند و فراگیر شود.

اقشار مختلف جامعه، کارگران، جوانان، بیکاران، سربازان برگشته از جنگ در عراق و افغانستان، دانشجویان، تحصیل کرده ها، بازنشستگان، اتحادیه های کارگری، فعالین سیاسی چپ آمریکا و در این جنبش شرکت دارند. درد مشترک بی عدالتی، امید های بر باد رفته، نابسامانی و وخامت اقتصادی، هراس از آینده و این اقشار را بهم پیوند داده است. مردم میبینند که با در نظر قراردادن رده در آمد آنها تنها 400 نفر سرمایه دار فربه در آمریکا در آمدی بیش از 50 درصد رده پائینی جامعه را بخود اختصاص داده اند و 5 درصد رده بالائی جامعه در آمدی بیش از 85 درصد رده پائینی کسب میکند. مردم میبینند که یک منشی اداره حقوقی حدود 15 هزار دلار در سال دریافت میکند در صورتی که مدیران کمپانی های بزرگ سالیانه چند میلیون و بعضاً ده ها و صد ها میلیون دلار پاداش دریافت میکنند. جنبش " اشغال وال استریت " جنبش اعتراض به این بیعدالتی و همچنین جنبش اعتراض به عدم وجود دموکراسی و عدم امکان شرکت مستقیم مردم در امور است.

تا کنون جنبش " اشغال وال استریت " به بیش از 200 شهر کوچک. بزرگ آمریکا گسترش یافته است. این جنبش توانسته است که حمایت اتحادیه های کارگری و شخصیت های مترقی و فعالین سیاسی را کسب کند.

فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا در محل سکونت خود شرکت مستقیم در این جنبش دارند و با فعالین این جنبش مرتباً درگیر بحث و گفتگو هستند. فعالین حزب در مبارزه و اکسیونهای این جنبش شرکت نموده و سعی دارند که تجربیات خود را به

نیروهای جوان جنبش انتقال دهند و تمام کوشش خود را در رادیکال نمودن جنبش بکار گیرند. فعالین حزب به رفقای آمریکائی و غیر آمریکائی که برای پیشبرد جنبش مبارزه میکنند درود میفرستند و مقاومت آنها را در مقابل دستگیری و سرکوب پلیسی ستایش میکنند.

مردم در دسته و نوبت های مختلف از مکانهای اشغال شده وکمپ های شبانه روزی فعالین جنبش دیدن کرده و به اکسیون های جنبش میپیوندند و از دادن کمک های مالی و تدارکاتی دریغ نمیکنند. مردم در حین گفتگو و بحث با فعالین این جنبش و بصورت اعتراض آمیز سوالات متعددی را مطرح میکنند که بعضی از آنها را میتوان بصورت زیر خلاصه کرد.

- چرا بیکاری در سطح بالائی قرار دارد؟ چرا شغل ها به خارج کشور منتقل میشوند؟
- چرا مالیات مردم به جیب بانکا ریخته میشود؟
- چرا نرخ بهره وام دانشجویی را سنگین کرده اند؟
- چرا همه مردم بیمه بهداشتی ندارند؟ چرا همه بیمه اجتماعی ندارند؟
- چرا سرمایه داران بزرگ مالیات نمیپردازند؟
- چرا در جامعه نژادپرستی وجود دارد؟ چرا در جامعه تبعیض وجود دارد؟
- چرا زنان حقوق برابر در مقابل کار برابر با مردان ندارند؟ چرا زن ستیزی و زن آزاری در جامعه وجود دارد؟
- چرا بحرانهای اقتصادی بوجود می آیند؟
- چرا آمریکا درگیر جنگ با کشورهای دیگر میشود؟
- چرا مالیات مردم صرف ریختن بمب بر سر مردم کشورهای دیگر میشود؟
- چرا ما اعتراض میکنیم ولی کسی گوشش به کار نیست؟ چرا پلیس ما را سرکوب میکند و بزندان میاندازد؟

یک نظر اجمالی باین سوالات و به ذهنیت مردم نشان میدهد که اکثریت عظیم جامعه مطالباتی دارند که برای کسب آنها خود رامستقیماً در مقابل نظام موجود قرار میدهند. ولی نارضایتی عمومی و بیان مطالبات برای پیشبرد جنبش کافی نیستند. باید مردم با شرکت در مبارزه اجتماعی و در روند کسب مطالبات آموزش ببینند و آبدیده شوند تا به درک ریشه ای از منشأ نارضایتی های عمومی برسند. باید فعالین روزمره جنبش " اشغال وال استریت " خود باین درک برسند تا بتوانند آنها را به مردم منتقل کنند. این جنبش خواستهای عمومی مردم را با خود حمل میکند و بر علیه حرص و آز انحصارات موضع گرفته است ولی هنوز نتوانسته است افق روشن و رادیکالی برای خود ترسیم کند. این جنبش ادعا میکند که حرص و آز کمپانی های بزرگ را مجبور کرده که منافع خود را بدولت تحویل کند. بعضی از فعالین حتی شعار " وال استریت مال ماست" را سر میدهند. نمونه های بسیاری از این مواضع در گفته ها و سخنرانی های فعالین این جنبش شنیده میشوند. با مطالعه بیانیتهای انتشار یافته میتوان سطح بالای توهم این جنبش به دستگاه حکومت را دید. این جنبش هنوز باین درک اولیه نرسیده است که حکومت نماینده انحصارات است و ماموریت آن حفظ منافع سرمایه داران است و آنکه دولت ابزاری است در دست انحصارات برای سرکوب نارضایتی مردم. با وجودی که مردم میبینند که سرکردگان حکومت در اکثریت شکننده آن خود میلیونر و از سرمایه داران هستند اما مردم و جنبش اشغال هنوز به این نتیجه نرسیده اند که خود این اعضای حکومتی همان جنایتکارانی هستند که دستور ریختن بمب بر سر مردم کشورهای دیگر را صادر میکنند، که به پلیس محلی دستور سرکوب و دستگیری تظاهر کنندگان همین جنبش را میدهند، که خود در خروج شغلها از کشور دخالت دارند. این جنبش نه تنها دولت را عاملی در نابسامانی موجود ندانسته بلکه یا به آن بر " علیه " انحصارات متوسل میشود و یا از دولت در مقابل انحصارات دفاع میکند.

هرچند این جنبش در شکل ظاهری آن تشابهاتی با "بهار عربی" دارد اما این دو در مضمون دارای اختلافات اساسی هستند. بهار عربی حکومتهاى در قدرت را نشانه گرفته است اما در جنبش "اشغال وال استریت" نه تنها هیچ گسستی با قدرت دولتی دیده نمیشود بلکه بر عکس حکومت را مظلوم میداند.

بسیاری از فعالین این جنبش همان افرادی هستند که در کارزار انتخاباتی رئیس جمهوری آمریکا در 3 سال گذشته به حمایت از کاندیداتوری اوباما فعالیت میکردند. در عرض کمتر از 6 ماه پس از انتخابات، فریبکاری اوباما آشکار شد و این افراد به همراه میلیونها رای دهنده دیگر از اوباما مایوس شده و سرخورده شدند و کنج عزلت را بر گزیدند. جنبش "اشغال وال استریت" نشاط تازه ای در مردم و بویژه جوانان ایجاد کرد و امید تازه ای دمیدن گرفت. این نشاط و امید جنب و جوش به سطح جنبش قبل از انتخابات هنوز نرسیده است و دلیل این امر این است که در جنبش قبل از انتخابات میلیونها نفر از سیاست های جرج بوش و دولت جنگ افروز او انزجار داشته و در اعتراض به آن دستگاه حکومتی را نشانه گرفته بودند و حتی مطالباتی مانند "خلع ید از بوش" و "تحویل بوش بدادگاه" در سطح جامعه مطرح میشد.

در ابتدای سر بر آوردن شعله جنبش "اشغال وال استریت"، اوباما و به همراه او تمامی سرکردگان "حزب دمکرات" سکوت اختیار کرده بودند و زمانی که شعله گسترش یافت و ضمیر خفته جامعه را بیدار نمود آنگاه تلاش نمودند که بر گرده جنبش سوار شوند و آنها را در خدمت تبلیغات برای کارزار انتخاباتی آینده بکار گیرند و از آن بعنوان فشار بر رقیب خود "حزب جمهوری خواه" استفاده نمایند. جمهوری خواهان در ابتدا جنبش را محکوم نموده ولی بعداً با زدن نعل وارونه بر جنبش اعلام نمودند که آنها هم بسیاری از اهداف جنبش را از آن خود میدانند! جنبش "تی پارتی" که جنبش دست راستی های بیرون زده از حزب جمهوری خواهان است هم بتقلا افتاد و گنت که "ما هم در این جنبش شریک هستیم". تاسف در این است که هر سه نیروی ارتجاعی "حزب دمکرات"، "حزب جمهوری خواه" و "حزب تی پارتی" در برخوردشان به جنبش "اشغال وال استریت" راست میگویند. جنبش "اشغال وال استریت" هنوز نتوانسته است بر روی برنامه ای که خواستهای مردم را نمایندگی کند انگشت بگذارد. این جنبش شدیداً به ساختار نظام سرمایه داری توهم داشته و به آن وابسته است. این جنبش شدیداً تحت نفوذ دمکراسی بورژوائی است و هنوز خصالتی انقلابی

از خود بروز نداده است. اگر این جنبش خواهد پایدار بماند باید استقلال طبقاتی بخود بگیرد و احزاب دوقلوی "دمکرات" و "جمهوری خواه" را هدف قرار دهد. این احزاب نمایندگان انحصارات و خود عامل جنگ و جنایت و فلاکت در بسیاری جوامع هستند. در سیاستهای داخلی و خارجی نمیتوان خط تمایزی بین این دو حزب امپریالیستی کشید. تمایل جنبش "اشغال وال استریت" به حزب دمکرات که بوسیله اتحادیه های کارگری و سوسیال دمکراسی تشویق میشود بسیار مضر و عامل فروپاشی آن خواهد بود. جنبش قبل از انتخابات اوباما درس عبرت گرفت.

چنانچه جنبش "اشغال وال استریت" بتواند مطالبات و خواسته های عمیق مردم را فرموله کرده، از توهامات دمکراسی سرمایه داری خود را رها کرده، علیه هیستریای ضد رادیکالیسم موضع بگیرد، و استقلال طبقاتی کسب کند آنگاه میتواند توده های وسیع نا راضیان را بسیج نموده و به مبارزه ادامه دهد. در آن زمان این نیرو میتواند با تمامی جریانها و نیروهای آمریکائی و "خارجی" کمونیست که برای رهائی انسانها از یوغ جنگ و سرکوب و استثمار انحصارات بزرگ مبارزه میکنند پیوند زده جنبشی نیرومند و پایدار را مشترکا بنا نهند.

گزارشی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا

20 اکتبر 2011